

الگوی «اراده متعالی انسان» و نقش آن در شکل گیری شخصیت از منظر قرآن کریم؛ یک تحلیل کیفی

محمد کاویانی ارانی / دانشیار گروه روانشناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

m_kavyani@rihu.ac.ir



orcid.org/0000-0001-7643-0910

abbas.javanshir@yahoo.com

عباس جوانشیر / دانشجوی دکتری قرآن و روان شناسی جامعه المصطفی العالمیه



<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۳/۰۶/۱۴۰۰ - پذیرش: ۰۲/۱۰/۱۴۰۰

چکیده

هدف این پژوهش واکاوی مفهوم اراده انسان براساس آیات قرآن کریم و ارائه الگوی «اراده متعالی انسان» مبتنی بر روش «تجزیه و تحلیل مضمون» (Thematic Analysis) و بررسی نقش اراده در تعالی شخصیت انسان است. با استفاده از روش مزبور، براساس نسخه براون و کلارک (۲۰۰۶) مفهوم «اراده انسان» در قرآن واکاوی و رمزگذاری شد و بر مبنای رمزهای به دست آمده، الگوی «اراده متعالی انسان» ارائه گردید. موضوعات به دست آمده عبارتند از: «افراد دارای اراده»، «رابطه اراده خدا و اراده انسان»، «متعلق اراده خداوند»، «متعلق اراده انسان» و «اسباب تعالی اراده انسان». با تحلیل داده‌های به دست آمده و معلوم ساختن جایگاه هریک از آنها نسبت به یکدیگر، الگوی «اراده تعالی بخش شخصیت» با رویکرد قرآنی حاصل شد.

کلیدواژه‌ها: اراده، اختیار، شخصیت، تحلیل مضمون، روان شناسی قرآن بنیان.

«شخصیت» برگردان واژه «personality» از «persona» به معنای نقابی است که بازیگران در نمایش برای اجرای نقش‌های خود به صورت می‌زنند (شولتز و شولتز، ۲۰۱۳). وقتی این اصطلاح در روان‌شناسی به کار می‌رود، به ویژگی‌های نسبتاً پایداری اشاره دارد که افراد را از یکدیگر متمایز می‌سازد (فیست و فیست، ۱۳۹۸، ص ۱۲). یکی از موضوعاتی که همواره در روان‌شناسی شخصیت مدنظر بوده و مجادله‌های نظری را نیز به همراه داشته، بحث درباره عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و تحول شخصیت است. عده‌ای بر تعیین‌کننده‌های ارثی و ژنتیکی تأکید دارند و عده‌ای عوامل محیطی را مؤثرتر ارزیابی می‌کنند.

«اراده انسان» یکی از عوامل بسیار مهم تأثیرگذار بر شکل‌گیری و تحول شخصیت انسان است که در مکاتب گوناگون روان‌شناسی کمتر به آن توجه شده است، اما قرآن کریم در این‌باره تبیین کاملی دارد که می‌تواند پاسخ محکمی به نظریات «جبرگرایی زیستی - روانی» فروید و «جبرگرایی محیطی» رفتارگرایان باشد. در زمینه «اراده انسان از دیدگاه قرآن کریم» پژوهش‌های متعددی انجام شده، اما هیچ‌کدام نقشه راه جامع و تبیین چارچوب و الگوی اراده متعالی انسان از منظر قرآن کریم ارائه نداده و عمدتاً به مفهوم «اراده انسان» و تفاوت آن با «اراده الهی» و نیز کیفیت ارتباط میان اراده الهی و اراده انسان پرداخته‌اند.

رئوفیان و تجری (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «معناشناسی توصیفی اراده با تأکید بر روابط همشینی و جانشینی» حوزه معنایی واژه «اراده» را با روش «معناشناسی توصیفی» بررسی کرده‌اند و ارتباط معنایی اراده با محور جانشینی «مشیت»، «اختیار»، «اشتهاء»، «ابتغاء»، «هم»، «عزم» و «قضی» و بر محور همشینی با «الله»، «فعل»، «کن فیکون»، «امر»، «وجه» و «نفس» را تبیین نموده‌اند.

کاوایی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «تحلیل روان‌شناختی انفعالات و بررسی رابطه آنها با اختیار از دیدگاه قرآن کریم»، بیان می‌دارد که انفعالات (هیجان‌ها و احساسات) نوعاً در انسان با آثار فیزیکی همراهند و در وی تمایل به عملکرد ایجاد می‌کنند و با اختیار انسان منافات ندارند.

همچنین عالم‌زاده نوری (۱۳۹۶) برای تقویت اراده، نجات از ضعف اخلاقی و افزایش قدرت عمل، راه‌کارهایی ارائه داده است.

عمیق (۱۳۹۲) در پژوهشی نظرات در خصوص ماهیت اراده و کیفیت تحقق آن را بررسی کرده است. سیدهاشمی و موسوی‌خو (۱۳۹۰) اراده الهی و نسبت آن با اختیار انسان را از دیدگاه امام خمینی^ع را بررسی کرده است.

در میان اندیشمندان مسلمان نیز نظرات بسیاری در خصوص اراده و اختیار انسان ارائه گردیده است. برای مثال، از نظر ابن‌سینا، رفتارها به سه دسته زیستی (تغذیه، رشد، تولیدمثل)، ارادی (احساس، ادراک، اراده) و عقلانی (استنباط، تجزیه و تحلیل، تصمیم‌گیری، تشخیص خوب و بد) طبقه‌بندی می‌شود (شجاعی، ۱۳۹۶، ص ۲۲۰).

آیت‌الله مصباح یزدی می‌فرماید: اساساً (اختیار) یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آدمی و عاملی اساسی در ساختن شخصیت انسان و ایجاد اختلافات فردی است. عوامل فیزیکی، زیستی، روانی و اجتماعی هرگز تعیین‌کننده افعال اختیاری بشر نیستند، بلکه فقط زمینه‌ساز گرایش و اختیار او هستند (فیروزیان، ۱۳۹۸، ص ۴۲۵).

در میان پژوهش‌های انجام‌شده، پژوهشی که از طریق روش «تحلیل مضمون» صورت پذیرفته باشد، یافت نشد. همچنین برخی از تحقیقات و تألیفاتی که در موضوع شخصیت و عوامل مؤثر بر آن انجام شده به موضوع اراده و اختیار نیز اشاراتی داشته‌اند، لیکن اثری که به تفصیل این نقش را بررسی و الگوهای گوناگون را بررسی کرده باشد و در نهایت، به یک الگوی جامع برسد، یافت نشد.

بنابراین در پژوهش حاضر این سؤال مطرح می‌شود که «از منظر قرآن کریم، الگوی اراده متعالی‌بخش انسان که مؤثر در شخصیت اوست، چگونه است؟»

روش پژوهش

با استفاده از روش «تحلیل توصیفی» نظر اسلام استخراج و توصیف گردید. از ویژگی‌های «تحلیل توصیفی» این است که محقق دخالتی در موقعیت، وضعیت و نقش متغیرها ندارد و آنها را دستکاری یا پایش نمی‌کند و صرفاً آنچه را هست، مطالعه می‌کند و به توصیف و تشریح آن می‌پردازد (حافظنیا، ۱۳۸۰، ص ۴۸).

یکی از روش‌های استاندارد در «تحلیل توصیفی»، روش «تحلیل مضمون» است. هدف این روش شناسایی مضمون‌های موجود در متن است که پژوهشگر از آنها برای پاسخ به سؤالات پژوهش استفاده می‌کند (ماگویره و دلاهان، ۲۰۱۷). روش «تجزیه و تحلیل مضمون» روشی برای تعیین، تحلیل و بیان الگوها (تم‌ها)ی موجود درون داده‌هاست.

در این پژوهش با استفاده از روش «تحلیل مضمون»، به صورت تحلیل مشهود و روش استقرایی (مبتنی بر داده)، مفهوم «اراده انسان» واکاوی و رمزگذاری شد و الگوی «اراده متعالی انسان» ارائه گردید. فراگرد «تحلیل مضمون» زمانی شروع می‌شود که تحلیلگر مضامین و موضوعاتی بالقوه جذاب را مدنظر قرار می‌دهد و رفت و برگشت‌های مستمری بین مجموعه داده‌ها و خلاصه‌های رمزگذاری شده انجام می‌شود (کلارک و برون، ۲۰۰۶، ص ۸۶).

«تحلیل مضمون» روشی است که هم برای بیان واقعیت و هم برای تبیین آن به کار می‌رود (براون و کلارک، ۲۰۰۶). در مباحث قرآنی، در رده اول، به مفاهیم مرتبط با اراده برخوردیم، اما این مفاهیم بیانگر چند موضوع است. در قدم بعدی، هنگام رمزگذاری‌های اولیه و تشکیل مضامین، بین این مفاهیم، تفکیک می‌گردد؛ ابتدا آیاتی که دلالت بر مضامینی مثل «اراده انسان»، «صاحبان اراده آگاهانه»، «کیفیت اراده انسان در مقابل اراده خداوند» و «متعلق اراده انسان» دارند، سپس آیاتی که در ارائه «الگوی اراده متعالی‌بخش» تأثیرگذارند.

اگرچه اندرسون (۲۰۰۷) یک فرایند پانزده مرحله‌ای را برای «تحلیل مضمون» ارائه می‌دهد (اندرسون، ۲۰۰۷، ص ۴۵)، اما کلارک و براون (۲۰۰۶) یک فرایند کوتاه‌تر در شش مرحله را سامان داده‌اند. در این پژوهش از این فرایند شش مرحله‌ای استفاده می‌گردد:

مرحله ۱. آشنایی با داده‌ها: محقق به منظور آشنایی با عمق و گستره محتوایی داده‌ها، خود را در آنها غوطه‌ور می‌سازد. این غوطه‌ور شدن شامل «بازخوانی مکرر داده‌ها» و «خواندن داده‌ها به صورت فعال» (یعنی جست‌وجوی معانی و الگوها) است. در این مرحله، تمام ۱۲۰ آیه‌ای که در آن واژه «اراده» و همخانواده آن به کار رفته، گردآوری شد و بررسی گردیده است.

مرحله ۲. ایجاد رمزهای اولیه: محقق رمزهای اولیه‌ای را از ویژگی داده‌ها معرفی می‌نماید که به نظرش جالب می‌رسد. داده‌های رمزگذاری‌شده از واحدهای تحلیل (مضامین) متفاوت هستند (کلارک و برون، ۲۰۰۶، ص ۸۸). در این مرحله از پژوهش قرآنی، برچسب رمزهای اولیه به‌گونه‌ای روی آیات قرآن ثبت شد که ما را از بررسی تمام آیات، به بررسی تعداد محدودی از آیات سوق می‌داد؛ آیتی که در آن، ۱۴۸ مرتبه واژه «اراده» و مشتقات آن، به کار رفته است. نکته مهم در این مرحله آن است که همه خلاصه داده‌ها رمزگذاری شده و در قالب هر رمز مرتب شده‌اند (کلارک و برون، ۲۰۰۶، ص ۸۹).

مرحله ۳. جست‌وجوی موضوعات: این مرحله شامل دسته‌بندی رمزهای گوناگون در قالب مضامین بالقوه و مرتب کردن همه خلاصه داده‌های رمزگذاری‌شده در قالب مضامین مشخص شده است. در واقع محقق تحلیل رمزهای خود را شروع می‌کند و در نظر می‌گیرد که چگونه رمزهای گوناگون می‌توانند برای ایجاد یک مضمون کلی ترکیب شوند (کلارک و برون، ۲۰۰۶، ص ۸۹).

در مباحث قرآنی، در این مرحله، بر مبنای این مفاهیم، رمزگذاری انجام شده است: «چه افرادی دارای اراده هستند؟»، «رابطه اراده خدا و اراده انسان چگونه است؟»، «اراده خداوند به چه اموری تعلق گرفته است؟»، «اراده انسان به چه اموری تعلق می‌گیرد؟»، و «چه اموری اراده انسان را متعالی می‌کند؟» برای مثال، آیتی که درباره متعلق اراده انسانی است، بعضی به فعل خیر که متعلق «السابقون» (پیشگامان در کارهای خیر و طاعت الهی) و «اصحاب‌الیمین» (نیکوکاران) و برخی به فعل شر که متعلق «اصحاب‌الشمال» (گمراهان) است، اشاره می‌کند. اینها در کنار هم قرار گرفته، مضامین اولیه را شکل می‌دهند.

مرحله ۴. بازبینی موضوعات: این مرحله شامل دو مرحله «بازبینی» و تصفیه مضامین است. مرحله اول شامل بازبینی در سطح خلاصه‌های رمزگذاری شده است. در مرحله دوم اعتبار مضامین در رابطه با مجموعه داده‌ها در نظر گرفته می‌شود (کلارک و برون، ۲۰۰۶، ص ۹۱). در این مرحله از کار قرآنی، نیاز بود بعضی تفاسیر بررسی شود و تفاوت‌های تفسیری ملاحظه گردد و سپس تصمیم قطعی و نهایی نسبت به «اراده انسان از منظر قرآن کریم» گرفته شود.

مرحله ۵. تعریف و نام‌گذاری موضوعات: اکنون که یک نقشه رضایت‌بخش از موضوعات وجود دارد، محقق موضوعاتی را که برای تحلیل ارائه کرده است، تعریف و بازبینی مجدد می‌کند، سپس داده‌های داخل آنها را تحلیل می‌نماید. به‌وسیله تعریف و بازبینی، ماهیت آنچه یک مضمون درباره آن بحث می‌کند، مشخص شده است و تعیین می‌گردد که هر مضمون کدام جنبه از داده‌ها را در خود دارد (کلارک و براون، ۲۰۰۶، ص ۹۲).

در پژوهش قرآنی، در این مرحله سخن نهایی مطرح می‌شود و «اراده انسان از منظر قرآن کریم» به صورتی روشمند و صحیح استخراج می‌گردد که به لحاظ روشی، قابلیت ارائه به فضای علمی و پژوهشی را دارد.

مرحله ۶. تهیه گزارش: محقق مجموعه‌ای از مضامین کاملاً آبدیده را در اختیار دارد. بنابراین نوبت به ارائه تحلیل پایانی و نگارش گزارش رسیده است (کلارک و براون، ۲۰۰۶، ص ۹۳). در پژوهش قرآنی، هنگام ارائه گزارش، روش کار به صورت ریز و نسبتاً مفصل گزارش شده است تا برای محققان دیگری که می‌خواهند از روش «تحلیل مضمون» در مطالعات قرآن‌بنیان استفاده کنند، الگویی واضح و گویا باشد.

برای سنجش روایی این پژوهش، علاوه بر اینکه مضامین با مطالعه مبانی نظری، پیشینه پژوهش و اهداف پژوهش انتخاب و تأیید شد، نظرات تعدادی از نخبگان نیز لحاظ گردید و قبل از رمزگذاری، بررسی و اصلاح نهایی صورت پذیرفت.

یافته‌های پژوهش

«اراده» در لغت از ریشه «رَوَدَ» به معنای «طلب، خواست و مشیت» است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۹۱) و با مشتقاتش ۱۴۸ بار و در سه معنی در قرآن کریم به کار رفته است:

الف. معنای عام؛ یعنی «دوست داشتن و پسندیدن»؛

ب. تصمیم گرفتن بر انجام کاری که متوقف بر تصور و تصدیق فایده، ولو لذت صرف (مشترک بین انسان و حیوان) است.

ج. تصمیم ناشی از ترجیح عقلانی (ویژه انسان)؛ فعل ارادی در این معنی، در مقابل غریزی قرار می‌گیرد

(مصباح یزدی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۸۹ و ۹۰). رک: جدول ۱.

جدول ۱: تفاوت اراده آگاهانه انسانی و اراده غریزی حیوانی

اراده آگاهانه انسانی	اراده غریزی حیوانی
اراده انسانی = میل + آگاهی عقلانی	اراده حیوانی = میل

اراده انسان گاهی آگاهانه و گاهی غریزی است. انسان همیشه اراده دارد، لیکن گاهی اراده‌اش به امیال نفسانی (مانند خوردن، آشامیدن، خوابیدن، نیازهای جنسی و مانند آن) و گاهی به اموری فراتر از این امور تعلق می‌گیرد. برخی اراده خود را در طول اراده خداوند و بعضی در طول اراده شیطان قرار می‌دهند.

یکی از واژگان نزدیک به معنای «اراده»، واژه «مشیت» است. ماده «شاء» و مشتقات آن ۲۲۷ بار در قرآن کریم به کار رفته است. تعداد زیادی از اهل لغت و متکلمان «مشیت» را هم‌معنای «اراده» می‌دانند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۱۵۶)، اما برخی با توجه به اینکه واژه «مشیت» در قرآن کریم فقط در امور تکوینی به کار رفته است، «مشیت» و «اراده» را دو صفت متفاوت خداوند می‌دانند (ربانی گلپایگانی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۱) و می‌گویند: «اراده» شامل اراده تکوینی و تشریحی خداوند می‌شود، اما کاربرد «مشیت» غالباً در امور تکوینی و آفرینش است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۱۶۴ و ۱۶۹).

براساس بررسی‌های صورت‌پذیرفته در آیات قرآن کریم، با استفاده از روش «تحلیل مضمون»، محورهای اساسی ذیل به دست آمد: «صاحبان اراده آگاهانه»، «متعلق اراده خداوند»، «متعلق اراده انسان»، «متعلق اراده انسان»، «ملزومات اراده انسان» و «اراده تعالی بخش» که در ذیل تبیین می‌گردد:

صاحبان اراده آگاهانه

خداوند متعال بر این اساس که خالق حکیم و علیم بالاطلاق است، تدبیر امور را به دست دارد و دارای اراده مطلق و تخلف‌ناپذیر است و هرچه را مصلحت بداند به اراده و اختیار خویش انجام می‌دهد و انسان در برهه‌های ابتدایی و پایان زندگی خود و پس از آن مقهور این اراده است. بنابراین اراده انسان در طول اراده الهی برای تحقق گزاره‌های تجویزی، یعنی همان شریعت الهی است.

شخصیت آدمی با هر دو بعد «تن» و «روان» تحت تأثیر اراده و اختیاری است که در افعال اختیاری برای او وجود دارد. شواهد نقلی رسیده از امام صادق علیه السلام مملو از مباحث مربوط به موضوع اراده و اختیار انسان است. ایشان راه میانه را بین جبر و اختیار برمی‌گزیند.

امام خمینی علیه السلام در توضیح این حدیث شریف بیان می‌دارد: موجودات امکانی در فاعلیت و علیت و تأثیر مؤثرند، اما به صورت مستقل در تمام جهان هستی، فاعل مستقلی غیر از خداوند تعالی نیست و دیگر موجودات همان‌گونه که در اصل وجود مستقل نیستند، در صفات و آثار و افعالشان نیز مستقل نیستند. پس اگر کسی ممکن را شناخت و دانست که وجود ممکن چیزی جز ربط نیست، خواهد دانست که فعلش نیز با آنکه فعل اوست، در عین حال فعل خدا نیز هست. پس جهان از آن نظر که ربط صرف و تعلق محض است، ظهور قدرت خدا و اراده و علم و فعل اوست و این همان امر بین‌الامرین و منزلت بین‌المنزلتین است.

امام راحل در تأیید این بیان به آیات قرآنی استناد کرده است: آیه «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى» (انفال: ۱۷) و همچنین آیه «وَمَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ» (دهر: ۳۱). در این آیات، در عین حال که مشیت را برای خلق اثبات می‌نماید، وابستگی آن را به مشیت الهی نیز بیان می‌کند (موسوی خمینی، ۱۳۶۲، ص ۷۳ و ۷۴).

بنابراین «اراده» و «اختیار» موهبتی الهی به آدمی است که برای ارتباطات چهارگانه با خدا، خود، طبیعت و دیگران از آن بهره می‌گیرد. این ویژگی انحصاری یکی از عوامل مهمی است که رابطه‌ای تنگاتنگ با تغییر و تحول در شناخت، عاطفه و رفتار انسان در ابعاد گوناگون زیستی، محیطی، اجتماعی و معنوی دارد. خدای متعال کانون اصلی این اراده را نفس آدمی قرار داده و برای مدیریت، هدایت و رهبری آن نیز در انسان اختیار نهاده است تا افعال وی براساس این اراده محقق شود. در مسیر تکاملی بعثت انبیا، اراده و اختیار انسان که برخاسته از منطق وحی الهی است، برای اصلاح و تغییر شخصیت، مدنظر قرار گرفت، اگرچه شیطان نیز به‌مثابه یکی از مخلوقات صاحب اراده، درصدد فریب انسان و دور کردن وی از مسیر هدایت است.

اراده تعادل‌بخش و اراده تعالی‌بخش

تمام موجودات دارای حیات، دارای اراده نیز هستند، اما این اراده موجودات یکسان و از یک سنخ نیست و دارای مراتبی است. اراده در موجودات با توجه به مراتب وجودی و سنخ هستی آن موجود است. با توجه به تشکیکی بودن مراتب وجود در عالم، صفات و کمالات آنها نیز تشکیکی خواهد بود. البته اراده‌ای که انسان دارد از سنخ اراده‌ای نیست که خداوند متعال دارد.

بنابراین با توجه به اینکه انسان حیوان ناطق است، اراده وی می‌تواند از نوع اراده حیوانی (اراده تعادل‌بخش) و یا از نوع اراده الهی (اراده تعالی‌بخش) باشد. اراده به انجام افعال غریزی و حیوانی (مانند خوردن، آشامیدن، و رفتار جنسی)، از نوع اراده تعادل‌بخش است که برای انسان نیز لازم بوده، اما کافی نیست و اراده به انجام افعال عقلانی و آگاهانه و در راستای اوامر الهی و رسیدن به رضایت خداوند متعال، اراده تعالی‌بخش انسان است.

روان‌شناسان در نظریه «شخصیت» و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و تحول آن، به بُعد مادی انسان (بعد مشترک با حیوان) توجه نموده‌اند، اما به بُعد معنوی که مرتبط با روح انسان و تعالی حقیقی اوست، توجه چندانی نداشته‌اند.

انسان دارای دو بعد «جسمانی» و «روحانی» است و رشد و تعالی حقیقی مربوط به روح اوست که حیات جاودان دارد. عوامل تعالی و تکامل روح انسانی را باید از قرآن استخراج نمود. روان‌شناسان همواره از «تعادل زیستی»، «تعادل حیاتی»، «تعادل شخصیت» و مانند آن سخن گفته‌اند، لیکن بعضی از روان‌شناسان در کنار «تعادل»، اصطلاح مهم دیگری به نام «تعالی» را نیز مطرح کرده‌اند. اراده انسان است که می‌تواند به درستی، دو مفهوم «تعادل» و «تعالی» را در کنار هم قرار دهد و جایگاه هر کدام را معلوم سازد.

فرانکل می‌گوید: آنچه انسان لازم دارد، «تعادل حیاتی» و «بی‌تنشی» نیست، بلکه چیزی است که آن را «پویایی اندیشه‌ای» نام نهاده‌ام (فرانکل، ۱۳۸۹، ص ۱۵۹-۱۶۱).

پرنز معتقد است: تمایل اساسی هر پیکره تلاش برای نیل به تعادل است و حصول تعادل معادل سلامت روان انسان است (شجاعی و حیدری، ۱۳۸۹، ص ۳۳۷).

فریود بر اصل «تعادل» و مزلو بر اصل «تعالی» تأکید کرده‌اند (هوشیاری و رادمنش، ۱۳۹۹).

از نظر قرآن، رسیدن به تعادل خوب است، اما کافی نیست. اصل «تعالی» در روان‌شناسی قرآنی به مراتب جامع‌تر از روان‌شناسی معاصر است و اهداف بلندمدت مربوط به آخرت، بُعد معنوی و متداول و اهداف بلندمدت آخرتی و معنوی را پوشش می‌دهد.

«تعادل» در دیدگاه قرآنی، مقدمه دستیابی به تعالی است. در روان‌شناسی قرآنی، باید «تعادل‌جویی» را در بافت و زمینه «تعالی‌خواهی» ببینیم؛ باید بُعد جسمی و روحی انسان، ایمان به خدا، اختیار و اراده، فطرت الهی، نیت و جایگاه ابدی انسان در نظر گرفته شود تا شخصیت یک انسان متعادل و متعالی شکل بگیرد (هوشیاری و رادمنش، ۱۳۹۹).

در شکل‌گیری «شخصیت متعالی» انسان، «اراده» به‌مثابه یکی از عوامل اساسی و مهم، نقش‌آفرینی می‌کند و می‌تواند میزان تأثیرگذاری دیگر عوامل مؤثر بر شخصیت (مانند وراثت، محیط و جامعه) را تعدیل کند. از نظر قرآن، انسان متعادل کسی است که همه قوای او در حالت تعادل و به دور از افراط و تفریط باشد (شجاعی، ۱۳۹۶، ص ۱۹۰).

اما «تعالی» به قابلیت‌هایی اشاره دارد که به بیرون از ما و فراتر از ما و برای پیوند دادنمان با چیزی بزرگ‌تر و جاودان‌تر (مانند خداوند متعال یا کائنات) بسط پیدا می‌کنند (سلیگمن، ۱۳۸۸، ص ۲۰۰).

«رشد متعالی» نیز فرایندی ارادی و هدفمند است که در آن همه ابعاد وجودی انسان به صورت هماهنگ و متناسب در جهت کمال در حال حرکت است (کاوایی، ۱۳۹۷، ص ۱۲۷) و «اراده متعالی» اراده‌ای است که انسان را به «رشد متعالی» برساند.

در این پژوهش، آنچه مرتبط با ملزومات اراده انسان از قرآن کریم استخراج شده، نگاهی به اراده متعالی انسان دارد که متفاوت از اراده حیوانی است. اراده متعالی انسان در جهت اراده الهی قرار دارد.

براساس بررسی‌های انجام‌شده، واژه «اراده» و مشتقات آن در قرآن کریم ۱۴۸ بار در ۴۷ سوره و ۱۲۰ آیه به‌کار رفته که ۵۱ مورد آن درباره خداوند متعال، ۴۵ مورد درباره انبیا و انسان‌های صالح، یک مورد درباره دیوار (به صورت مجازی) و ۵۱ مورد درباره اراده شر به‌کار رفته است.

امور مرتبط با اراده خداوند

در قرآن کریم، آیات متعددی به دو نوع «اراده تکوینی» و «اراده تشریحی» الهی اشاره کرده است. در «اراده تکوینی» خدا، هرچه اراده شود، واقع می‌گردد؛ اما در اراده تشریحی، امکان تخلف وجود دارد (مشکینی، ۱۳۷۱، ص ۲۹؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۸۲ و ۱۸۳). «اراده تشریحی» برخلاف اراده تکوینی فقط به افعال اختیاری تعلق می‌گیرد (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۸۳).

در ادامه، به امور مربوط به اراده الهی اشاره می‌شود:

۱. **خلقت افراد و اشیا:** اراده تکوینی خداوند بر این تعلق گرفته است که عالم موجود شود و شده است؛ انسان خلق شود و شده است. همه مخلوقات متعلق اراده تکوینی خداوند هستند. مختار بودن انسان نیز متعلق اراده تکوینی خداوند قرار گرفته است. پس انسان مختار است و می‌تواند مسیر هدایت یا مسیر ضلالت را انتخاب کند.

۲. **هدایت:** اراده الهی به هدایت بندگان خودش تعلق گرفته است. خداوند هر که را (به حکمت خود) بخواهد هدایت می‌کند. خداوند به منظور یادآوری بندگان و دعوت آنان به تفکر، از «تمثیل» نیز استفاده کرده و به موجودات بزرگ و کوچک مثال زده است.

۳. **رحمت بر بندگان:** رحمت الهی به دو قسم «عام» و «خاص» تقسیم می‌شود. رحمت «عام» برای همه مخلوقات است، حتی انسان کافر و گنهگار؛ مثل نعمت حیات که برای کافر و مؤمن، هر دو هست. ولی رحمت «خاص» تنها شامل بندگان صالح می‌شود. خداوند اراده کرده است رحمت واسعه خودش را بر بندگان در این دنیا و آن دنیا جاری سازد، حتی اگر خود آنان متوجه نباشند.

در داستان حضرت موسی علیه السلام و بازسازی دیوار در حال تخریب، توسط حضرت خضر علیه السلام، خداوند می‌فرماید: این کار را از باب رحمت و حفظ گنج این دو نوجوان یتیم انجام دادیم. هیچ‌کس نمی‌تواند در مقابل اراده رحمت توسط خداوند یا اراده زبان، مقاومت کند. پس اوست خالق جهانیان و باید فقط بر او توکل نمود.

۴. **منفعت‌رسانی به بندگان:** زبان و نفع انسان‌ها در دست خداوند متعال است و برای کسب منفعت باید به خداوند نزدیک شویم و بر او توکل کنیم. اگر خداوند برای کسی منفعت یا زبانی را بخواهد هیچ‌کس نمی‌تواند مانع شود.

۵. **بخشش بندگان:** خداوند خالق انسان است و او را هدایت کرده و رحمت واسعه خودش را شامل او کرده و به فکر منفعت‌رسانی به بندگان خویش است و هر زمان که بنده خطایی انجام دهد و توبه کند در اسرع وقت و بدون باقی ماندن اندکی کینه، او را می‌بخشد.

۶. **آسان گرفتن بر بندگان:** خداوند به هیچ‌وجه تکلیفی فراتر از طاقت و توان بندگان از آنان نمی‌خواهد و در موارد متعدد (مانند ازدواج، روزه نگرفتن در زمان عذر و تیمم در وقت ضرورت) بر آنان سهل و آسان گرفته است.

۷. **عصمت اهل بیت علیهم السلام:** در قرآن آمده است که خداوند به صورت تکوینی اراده کرده است که پلیدی و گناه را از اهل بیت علیهم السلام دور سازد. البته این اراده در حد یک مقتضی است، نه علت تامه.

۸. **عدالت و عدم ظلم:** یکی از اصول مذهب «عدالت» خداوند متعال است. خداوند هیچ‌گاه اراده ظلم به بندگان خودش ندارد و همیشه عدالت را رعایت می‌کند. از واژه «ظلماً» (نکره در سیاق نفی) استفاده عموم می‌شود.

۹. **مرگ و زندگی:** خداوند متعال به افرادی که حضرت عیسی علیه السلام را خدا می‌دانند، می‌فرماید: «اگر خدا بخواهد مسیح‌بن مریم و مادرش و همه کسانی را که روی زمین هستند هلاک کند، چه کسی می‌تواند جلوگیری کند؟»

۱۰. **عذاب کافران و گنهکاران:** خداوند اراده کرده است که کافران را در آخرت، عذاب کند و این عذاب به علت برخی از گناهانشان است. خداوند می‌خواهد حق را با کلمات خود تقویت، و ریشه کافران را قطع کند. خدا می‌خواهد آنان را در زندگی دنیا عذاب کند، و در حال کفر بمیرند!

با توجه به مطالب مطرح‌شده درباره اراده الهی، اموری که در آیات مربوط به اراده، متعلق اراده خداوند قرار گرفته در نمودار (۱) ارائه گردیده است که برخی از این امور به خداوند اختصاص دارد؛ مانند «خلقت افراد و اشیا»، «عصمت اهل بیت (ع)»، «عذاب کافران و گنهکاران» و «هلاکت»، و اراده برخی از امور را به انسان نیز واگذار نموده است؛ مانند هدایت»، «رحمت»، «منفعت‌رسانی»، «بخشش»، «آسان گرفتن» و «عدالت و عدم ظلم».

نمودار ۱: متعلق اراده الهی



امور مرتبط با اراده انسان

چون در قرآن کریم تصریح شده که جهنم برای انس و جن است، بنابراین اجنه نیز مانند انسان‌ها دارای اراده هستند و در مقابل رفتارهای خود مسئول و پاسخگو هستند. اراده انسان، هم به این دنیا تعلق دارد و هم به آخرت. قرآن می‌فرماید: انسان‌های گنهکار اراده فرار از آتش جهنم را دارند، اما نمی‌توانند از آن خارج شوند و باید عذاب سوزان جهنم را که انکار می‌کردند، بچشند.

آیات مرتبط به اراده انسان را می‌توان در قالب چهار نوع ارتباط طبقه‌بندی کرد: ۱. رابطه: ۱. با خود؛ ۲. با خدا؛ ۳. با دیگران؛ ۴. با جهان هستی.

اراده انسان از منظر «ارتباط با خود»

مهم‌ترین ویژگی شخصیتی که انسان به آن نیاز دارد «عزت نفس» و «اعتماد به نفس» است که اگر به درستی شکل بگیرد، زمینه‌ساز رفتارهای مطلوب خواهد شد، و اگر دچار اعتماد به نفس کاذب شود، بسیاری از رفتارهای نامطلوب گریبانگیر وی خواهد شد. خداوند به انسان این اراده را داده است که خودش انتخاب کند که از کدام‌یک باشد؛ لیکن یادآوری می‌نماید که عزت را باید از خداوند خواست؛ زیرا تمام عزت برای خداست؛ و نیز انسان می‌تواند اراده کند که عزت خویش را رها کند و گرفتار عجب و غرور و خودبرتربینی شود. البته این‌گونه افراد از آخرت نصیبی نخواهند داشت.

بزرگان قوم نوح که کافر بودند، به حضرت نوح اتهام برتری جویی زدند. تغذیه و خوردن نیز از اموری است که با اراده انسان صورت می‌پذیرد و باید نسبت به آن پاسخگو باشد. برای مثال، تناول از غذای آسمانی خواسته حواریان حضرت عیسی علیه السلام بود. همچنین گرفتن دایه برای نوزاد، موکول به اراده پدر اوست.

جدول ۲: متعلق اراده انسان از منظر ارتباط با خود

نیابدها (افعال شر)	بایدها (افعال خیر)
برتری جویی	عزت‌خواهی و توجه به تغذیه خود، فرزند و دیگران

اراده انسان از منظر «ارتباط با خدا»

«پرستش خداوند یا غیرخداوند» با اراده انسان صورت می‌پذیرد و انسان باید در مقابل آن پاسخگو باشد. مشرکان مدعی بودند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اراده کرده است که آنان را از پرستش معبودان خود بازدارد. کافران اراده بر «نابودی اسلام»، «تغییر کلام خداوند» و «تبعیض میان خدا و پیامبران»، «الحاد و انحراف مؤمنان»، «خیانت به خدا و پیامبر» و «سؤال بیجا از پیامبر صلی الله علیه و آله» داشتند و برای همه اینها از سوی خداوند سرزنش شدند. انسان باید با اراده خود، متذکر شود و خدا را شکر خدا کند و از ارتکاب گناه و دوستی با کفار بپرهیزد و با تقرب به خداوند و رعایت اخلاص، از خدا و رسولش پیروی نماید.

جدول ۳: متعلق اراده انسان از منظر ارتباط با خدا

نیابدها (افعال شر)	بایدها (افعال خیر)
نابودی اسلام	خداپرستی و منع از پرستش غیرخدا
تحریف کلام خدا، سؤال بیجا از پیامبر، تبعیض در ایمان	پیروی از خدا و رسول
دوستی با کفار، الحاد و انحراف مؤمنین	تقرب به خداوند و رعایت اخلاص
انجام گناه و مستحق غضب خدا شدن	متذکر شدن و شکر خدا

اراده انسان از منظر «ارتباط با دیگران»

احسان به دیگران و برقراری صلح و آشتی میان آنان ازدواج، بهنگام و تشکیل خانواده، فرزندآوری و دعا برای صالح بودن فرزند دیگران، اصلاح خانواده، اصلاح جامعه و هدایت گمراهان، و جهاد در راه خدا و عدم فرار از جهاد از جمله اموری است که در آیات مربوط به اراده انسانی، به آنها اشاره شده است.

کسی که عزت نفس مطلوب داشته باشد، پاکدامنی را سرلوحه زندگی خود قرار می‌دهد و گرفتار گناهان متعدد (از جمله گناهان جنسی، مانند لواط) نخواهد شد و با اراده خودش رفتارهایی را انجام می‌دهد که در شأن او باشد. بنابراین، انسان بر اراده عفت و حفظ ارزش‌های اخلاقی توانایی دارد. شهوت‌طلبان، خواهان انحراف در روابط جنسی مسلمانان بودند و اراده انسان در گناه دخیل است.

فریبکاری، گمراه کردن مسلمانان، ارجاع حکمیت به طاغوت، استبداد و عدم اصلاح و قتل، آواره ساختن مردم از وطن خودشان و کسب امنیت از جانب مسلمانان و مشرکان از جمله اموری هستند که خداوند آنها را به اراده انسان‌ها نسبت داده است.

جدول ۴: متعلق اراده انسان از منظر ارتباط با دیگران

بایدها (افعال خیر)	نبایدها (افعال شر)
ازدواج بهنگام و تشکیل خانواده، فرزندآوری و دعا برای صالح بودن فرزند دیگران	انحراف در روابط جنسی مسلمانان
اصلاح خانواده، اصلاح جامعه و هدایت گمراهان، احسان به دیگران و برقراری صلح و آشتی میان آنان	فریبکاری و گمراه کردن مسلمانان، ارجاع حکمیت به طاغوت، استبداد و عدم اصلاح
جهاد در راه خدا و عدم فرار از جهاد	قتل، آواره ساختن مردم از وطن خودشان، کسب امنیت از جانب مسلمانان و مشرکان

اراده انسان از منظر «ارتباط با هستی»

خداوند می‌فرماید: هر کدام از آخرت یا دنیا را که اراده کنید، از آن به شما به شما خواهیم داد... . در جنگ احد، بعضی از مسلمانان اراده دنیا و جمع‌آوری غنیمت کردند و همین سبب شکست مسلمانان شد. دنیاطلبی انسان را به سمت گناه می‌برد و او خواهان آزادی برای گناه است. انسان دنیا را می‌طلبد و خداوند جهان آخرت را برای او می‌پسندد. خداوند می‌فرماید: اگر اراده دنیا داشته باشید، به شما دنیا را می‌دهم، اما دست شما از آخرت کوتاه خواهد شد و در عذاب جهنم گرفتار می‌شوید و چون به من اعتماد نکردید از شما روی برمی‌گردانم. لیکن اگر اراده آخرت کنید و در این جهت، سعی و کوشش داشته باشید، پاداش زیادی نصیب شما خواهد شد. برکت در سرای آخرت قابل مقایسه با اموال دنیایی نیست. پاداش دنیا و پاداش آخرت، هر دو در عرصه اراده الهی

الگوی «اراده متعالی انسان» و نقش آن در شکل‌گیری شخصیت از منظر قرآن کریم ❖ ۱۱۱

قرار دارد؛ لیکن پاداش دنیوی از بین‌رفتنی است و حسرت به دنبال می‌آورد. معاد را باور کنید و منتظر نامه جداگانه و اختصاصی از طرف خدا نباشید.

جدول ۵: متعلق اراده انسان از منظر ارتباط با جهان هستی

بایدها (افعال خیر)	نبایدها (افعال شر)
معادباوری و زهد	دنیاطلبی

اراده شیطان علیه مؤمنان

یکی از صاحبان اراده شیطان است که تمام تلاش خود را برای فریب و گمراهی انسان‌ها انجام می‌دهد. فقط دو آیه در خصوص اراده شیطان در قرآن هست؛ اما در خصوص اراده انسان صالح، ۴۵ مورد و اراده انسان گنهگار، ۵۱ مورد به کار رفته است که می‌توان نتیجه گرفت اراده شیطان در مقابل اراده انسان بسیار ناچیز است و هرچه گناه و خطا از انسان سر زده، به دنبال اراده خود انسان بوده است. شیطان اراده گمراهی انسان را دارد و هدفش دور کردن او از یاد خدا و اقامه نماز است. او با استفاده از ابزارهایی (مانند شراب و قمار) بین مردم کینه و عداوت ایجاد می‌کند. انسان می‌تواند با استعاده به خداوند متعال، از شرّ وسوسه‌های شیطان‌رهایی یابد و با اراده خویش به سوی کمال و تعالی حرکت کند.

جدول ۶: متعلق اراده شیطان (فریب و گمراهی)

در زمینه ارتباط انسان با خود	شراب و قمار و زوال عقل
در زمینه ارتباط انسان با خدا	دوری کردن از یاد خدا و نماز
در زمینه ارتباط انسان با دیگران	کینه و عداوت بین مردم

ملزومات اراده انسانی

از منظر قرآن کریم، انسان موجودی مختار و دارای اراده است. «آمدن پیامبران و نزول کتب آسمانی و هدایت‌پذیری انسان» «آزمایش انسان»، «مسئولیت اعمال» و آیات مربوط به «وعده و وعید الهی» بیانگر این پیش‌فرض است.

در نمودار (۲) ملزومات اراده انسان، ارائه گردیده است.

نمودار ۲: ملزومات اراده انسان



بحث و نتیجه‌گیری و ارائه الگو

سؤال پژوهش حاضر این بود که «الگوی اراده‌تعالی‌بخش انسان که مؤثر در شخصیت اوست، از منظر قرآن کریم چگونه است؟» تلاش شد تا «الگوی اراده‌تعالی انسان و تأثیر آن بر شخصیت» براساس «روش تحلیل مضمون» شناسایی شود.

گزاره‌های به‌دست‌آمده از طریق «تحلیل مضمون» در این پژوهش عبارت است از:

۱. قرآن کریم از میان عوامل مؤثر بر شخصیت، به «اراده» توجه ویژه‌ای دارد.
 ۲. ده نمونه متعلق‌های اراده خداوند از قرآن استخراج شد که برخی از آنها به خداوند اختصاص دارد؛ مانند «خلقت افراد و اشیا»، «عصمت اهل بیت (ع)»، «عذاب کافران و گنهکاران»، و «هلاکت». اراده برخی از امور را نیز به انسان واگذارده است؛ مانند «هدایت»، «رحمت»، «منفعت‌رسانی»، «بخشش»، «آسان گرفتن»، و «عدالت و اجتناب از ظلم».
 ۳. اگر انسان اراده نداشته باشد، اموری همچون «هدایت‌پذیری»، «ابتلا»، «مسئولیت و تکلیف» و «وعده و وعیدهای الهی» بی‌معنا خواهد بود.
 ۴. براساس اراده انسان و ملزومات این اراده است که انسان‌ها در قرآن، به «السابقون»، «اصحاب الیمین» و «اصحاب الشمال» تقسیم شده‌اند:
- السابقون:** افرادی هستند که اراده خود را در طول اراده الهی تعریف می‌کنند و محتوای اراده آنها همان محتوای اراده خداوند درباره انسان است. مسیر این گروه به سوی بهشت الهی است.
- اصحاب الیمین:** کسانی هستند که اراده خود را به امور خیر اختصاص می‌دهند و در ارتباط‌های چهارگانه‌شان (با خود، خدا، دیگران و هستی) از امور خیر فاصله نمی‌گیرند و اراده‌شان همواره متوجه کارهای مثبت است. اینان نیز ملحق به «السابقون» خواهند شد و در بهشت عدن الهی جای خواهند گرفت.
- اصحاب الشمال:** کسانی هستند که در ارتباطات چهارگانه‌شان، از امور خیر فاصله گرفته، به امور شر می‌پردازند. این افراد اراده‌شان را در طول اراده شیطان قرار می‌دهند و همواره بر طبل «فریب و گمراهی» می‌کوبند. اینان خود و دیگران را از یاد خدا دور می‌کنند و در این مسیر از ابزارهایی (همچون شراب و قمار) استفاده می‌کنند و همواره کینه و عداوت را سرمشق خود کرده‌اند. سرانجام اینها به جهنم و عذاب الهی منتهی خواهد شد.
۵. اراده‌تعالی انسان در راستای اراده الهی قرار دارد.
۶. اصولاً بهشت و جهنم برای هر انسان محصول کارهای ارادی خود اوست. او دارای اختیار و اراده بوده که مسیر مثبت را انتخاب کرده و به سوی اعلا علیین حرکت نموده است تا به بهشت الهی برسد، یا مسیر منفی را انتخاب کرده و به سوی اسفل السافلین حرکت کرده است که به جهنم منتهی می‌شود.

۷. با تحلیل داده‌های مزبور و معلوم ساختن جایگاه هریک از آنها نسبت به یکدیگر، الگوی اراده متعالی انسان با رویکرد قرآنی حاصل شد. این اراده متعالی، نه تنها به تعادل، بلکه به تعالی شخصیت نیز منجر می‌شود.

پیشنهادهای پژوهشی

به منظور بررسی بیشتر در این موضوع، عناوین ذیل برای انجام پژوهش‌های کاربردی پیشنهاد می‌گردد:

- بررسی تطبیقی اراده تعالی‌بخش در سایر ادیان توحیدی با رویکرد روان‌شناختی؛

- تفسیر موضوعی تربیتی و روان‌شناختی با محوریت آیات مربوط به اراده؛

- مقایسه الگوی اراده تعالی‌بخش در دو رویکرد «قرآنی» و «روان‌شناختی»؛

- ساخت سنجه‌های مربوط به اراده تعالی‌بخش انسان؛

- بررسی نقش الگوی اراده تعالی‌بخش در فرایند درمان اختلالات شخصیت.

منابع

- ابن منظور، محمدبن مكرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، بيروت، دار صادر.
- حافظنیا، محمدرضا، ۱۳۸۰، *روش تحقیق در علوم انسانی*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ربانی گلپایگانی، علی، ۱۳۹۲، *عقاید استدلالی*، چ چهارم، قم، هاجر.
- رتوفیان، رضا و علی اصغر تجری، ۱۳۹۹، «معناشناسی توصیفی اراده با تأکید بر روابط همنشینی و جانشینی»، *ذهن*، ش ۸۲، ص ۱۸۷-۲۱۷.
- سلیگمن، مارتین، ۱۳۸۸، *شادمانی درونی*، ترجمه مصطفی تبریزی، رامین کریمی و علی نیلوفری، تهران، دانژه.
- سیدهاشمی، سیدمحمداسماعیل و سیدصفی‌الله موسوی خو، ۱۳۹۰، «اراده الهی و نسبت آن با اختیار انسان از دیدگاه امام خمینی»، *آینه معرفت*، سال نهم، ش ۲۹، ص ۶۵-۸۶.
- شجاعی، محمدصادق و مجتبی حیدری، ۱۳۸۹، *نظریه‌های انسان سالم با نگرش به منابع اسلامی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- شجاعی، محمدصادق، ۱۳۹۶، *روانشناسی اسلامی*، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- شولتز، دوآن پی و سیدنی آلن شولتز، ۲۰۱۳، *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، ویرایش.
- عالمزاده نوری، محمد، ۱۳۹۶، «عوامل تقویت اراده و افزایش قدرت عمل»، *معرفت*، ش ۲۳۹، ص ۲۵-۳۵.
- عمیق، محسن، ۱۳۹۲، «کاوشی در حقیقت اراده انسان»، *انسان پژوهی دینی*، سال دهم، ش ۳۰، ص ۴۹-۶۸.
- فرانکل، ویکتور، ۱۳۸۹، *انسان در جستجوی معنا*، ترجمه مهین میلانی و نهضت صالحیان، تهران، نیکا.
- فیروزیان، شبیر، ۱۳۹۸، *مقدمه‌ای بر روانشناسی از دیدگاه قرآن بر اساس آثار آیت‌الله مصباح یزدی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- فیست، جس و گرگوری فیست، ۱۳۹۸، *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، روان.
- کاوایانی، محمد، ۱۳۹۹، «تحلیل روان‌شناختی انفعالات و بررسی رابطه آنها با اختیار از دیدگاه قرآن کریم»، *روانشناسی*، سال چهاردهم، ش ۲۷، ص ۴۳-۶۶.
- ____، ۱۳۹۷، *روانشناسی در قرآن*، چ دوازدهم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- مشکینی، علی، ۱۳۷۱، *اصطلاحات الاصول*، چ پنجم، قم، الهادی.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۶۴، *آموزش فلسفه*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۶، *پیام قرآن*، چ نهم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- موسوی بجنوردی، سیدحسن، ۱۳۸۰، *منتهی الاصول*، تهران، عروج.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۶۲، *طلب و اراده*، ترجمه سیداحمد فهری، تهران، علمی و فرهنگی.
- هوشیاری، جعفر و اسماعیل رادمش، ۱۳۹۹، «جایگاه تعادل جویی و تعالی خواهی در پویایی شخصیت از دیدگاه روانشناسی قرآنی»، *معرفت*، ش ۲۷۵، ص ۵۵-۶۶.
- Anderson, R., 2007, *Thematic Content Analysis (TCA): Descriptive Presentation of Qualitative Data*, Institute of Transpersonal Psychology, Retrived from <http://www.wellknowingconsulting.org/publications/pdfs/ThematicContentAnalysis>.
- Clarke, V. & Braun, V., 2006, "Using thematic analysis in psychology", *Qualitative Research in Psychology*, N. 3 (2). p. 77-101.
- Maguire, Moira; Delahunt, Brid, 2017, "Doing a Thematic Analysis: A Practical, Step-by-Step Guide for Learning and Teaching Scholars", *AISHE-J*, V. 8, N. 3, p. 3351-3364.